

## عصر عقلانیت و پیامد پیمان‌های پیامبر اعظم (ص)

مرتضی حق شناس<sup>۱</sup>

### چکیده

پیامبر اکرم (ص) در طول دوران نورانی رسالت خویش با درایت سیاسی و دور اندیشی، پیمان‌هایی به انعقاد رسانیدند که فصل مهمی از تاریخ صدر اسلام را به خود اختصاص داده است. هجرت آن حضرت از مکه به مدینه، که به دلیل اهمیت آن سرآغاز تاریخ مسلمانان گردید در پی دو پیمان مهم و مخفیانه‌ی حضرت با یثربیان به نام «عقبه» صورت گرفته است.

همچنین برقراری آرامش و امنیت میان طوایف مختلف ساکن مدینه، در پی درایت پیامبر (ص) مبنی بر به امضا رسانیدن پیمان هم زیستی میان آنان محقق گردیده است و حتی توفیق خشتی نمودن توطئه‌ی یهودیان و اخراج از مدینه و سرکوب آنان نیز در پی اتمام حجت آن حضرت با آنان و عمل نکردن به شرایطی است که در پیمان با پیامبر (ص) به امضا رسیده بود. همانگونه که فتح افتخار آمیز مکه به دست لشکر اسلام، از نتایج و ثمرات «بیعت رضوان» و «صلح حدیبیه» است.

حقیر در این مقاله در حد امکان به بررسی عصر عقلانیت در پیمان‌های حضرت پرداخته‌ام. همچنین به دلیل اهمیت شرکت پیامبر (ص) در پیمانی به نام «حلف الفضول» یا «پیمان جوانمردان» که مربوط به بیست سال پیش از بعثت است و برای دفاع از حقوق مظلومان منعقد گردیده بود و پیامبر اکرم (ص) در زمان رسالت نیز وفاداری خود به آن پیمان را اعلام نموده‌اند و به دلیل اهمیت و پیامی که این پیمان برای جهان اسلام می‌تواند داشته باشد، مقاله را با شرح این پیمان شروع نموده‌ام. امید که مقبول حضرت و مورد رضایت الهی باشد.

### واژگان کلیدی

پیامبر؛ خرد گرایی، پیمان‌ها، حلف الفضول عقبه، بیعت رضوان، حدیبیه،

## طرح مسأله

برخی افراد وظیفه‌ی پیامبر(ص) را تنها در دریافت و ابلاغ وحی و در حوزه‌ی اعمال عبادی خلاصه می‌نمایند حال آنکه شرح و تفسیر متون وحیانی و اجرای دستورات دینی و رتق و فتق و تدبیر امور مردم و به اصطلاح سیاستمداری، از شوون و وظایف مهم پیامبر(ص) شمرده می‌شود. تحقیق پیشرو تلاشی است در جهت شناخت هر چه بهتر آثار و پیامد پیمان‌های پیامبر(ص) که فصل مهمی از تاریخ سیاسی صدر اسلام را به خود اختصاص داده است.

با تأمل در متن پیمان‌های پیامبر و حتی در بعضی مواقع پذیرفتن اعتراض مسلمانان، و در نهایت ثمراتی که این پیمان‌ها به دنبال داشته است، درایت سیاسی آن حضرت و ثمرات فراوان این دور اندیشی‌ها بر خواننده‌ی محترم واضح خواهد شد.

### ۱- پیمان جوانمردان (حلف الفضول)

این پیمان مربوط به بیست سال پیش از بعثت نورانی پیامبر(ص) است ولی آن حضرت در زمان رسالت نیز وفاداری خود را نسبت به آن پیمان اعلام نموده اند و این حقیر به دلیل اهمیت این پیمان، مقاله را با شرح آن آغاز می‌نمایم:

گرچه قبل از بعثت پیامبر اکرم(ص)، فرهنگ جاهلیت سراسر سرزمین حجاز را فرا گرفته است و آداب و رسوم همچون زنده به گور کردن دختران، نشان واضحی از تمدن و سطح تفکر بشر آن عصر دارد و همین انحطاط جامعه‌ی بشری ضرورت بعثت را صد چندان نموده است، اما آداب مثبت و قابل تمجیدی نیز در آن ظلمت کده پرتو افشانی می‌کند.

از جمله‌ی آن‌ها پیمانی با عنوان «پیمان جوانمردان» یا «حلف الفضول» است، که اگر چه در آن زمان «حلف‌ها» و پیمان‌های فراوانی میان قبایل و با هدف کمک متقابل به یکدیگر و برای دفع دشمن صورت می‌گرفت، اما این پیمان یکی از پیمانهای نادری است که در آن دوران برای دفاع از حق مظلوم و جلوگیری از ظلم و ستم منعقد گردیده و به همین دلیل، مورخین از آن به عنوان شریف‌ترین پیمان در میان عرب آن روز یاد نموده‌اند. نطفه‌ی این پیمان حدود بیست سال قبل از بعثت، و به این صورت بسته می‌شود که مرد

غریبی به قصد تجارت وارد مکه می‌شود و کالای خود را برای فروش عرضه می‌دارد. و فردی به نام «عاص بن وائل» از اهالی مکه خریدار کالای او می‌شود و کالا را تحویل می‌گیرد اما از پرداخت بها و عوض آن خودداری می‌کند.

فروشنده غریب که توان استیفای حق خود را در خود نمی‌بیند، به فکر چاره می‌افتد. او به میان قریشیان که اطراف کعبه نشسته‌اند می‌رود و فریاد مظلومیت سر می‌دهد و با خواندن اشعاری قلوب آنان را متوجه خود می‌کند و خون غیرت را در رگ آنان به جوشش می‌آورد. «زبیر بن عبدالمطلب» شجاعانه بر می‌خیزد و عده‌ای با او همراه می‌شوند. اینان بلافاصله در خانه‌ی «عبداله بن جدعان» جمع شده و با هم پیمان می‌بندند و سوگند یاد می‌کنند که با هم متحد شوند و از این پس در حد امکان از حقوق مظلوم دفاع نمایند. چه ظالم از روسا باشد یا ضعفا، بنده باشد یا آزاد، از قبیله‌ی دیگری باشد یا از قبیله خودشان، و چون این پیمان شبیه پیمانی است که در گذشته‌های بسیار دور در میان «جرهمیها» به «حلف الفضول» مشهور بود، این پیمان را نیز «حلف الفضول» نامیدند. و اولین اقدام آنان این بود که به سوی همشهری خود، «عاص بن وائل» رفتند و کالای مرد غریب را پس گرفته و به صاحب آن تحویل نمودند. (محمد بن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۸) و (ابن کثیر حنبلی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۹۴)

پیامبر گرامی اسلام که قبل از بعثت به جهت آلودگی محیط و تعالی روحی و ویژگی‌های فردی، محتاطانه قدم بر میداشت، در این پیمان که به منظور دفاع از حقوق مظلوم شکل گرفته است شرکت می‌نماید و خود نیز بعدها و پس از بعثت در مورد این پیمان می‌فرماید: «در خانه‌ی عبداله بن جدعان شاهد پیمانی بودم که اگر اکنون نیز مرا برای انجام مفاد آن بخوانند اجابت می‌کنم و به آن وفادار هستم.» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۶۳م، ج ۱۷، ص ۲۹۲).

این پیمان به نحوی در میان مردم معروف و مقبول می‌شود که به صورت منشوری فراوری آیندگان قرار می‌گیرد، تا جایی که امام حسین علیه السلام در دوران ولید بن عتبه با برادر زاده‌ی معاویه که حاکم مدینه بود و بر مردم ستم روا می‌داشت به مقابله ایستاد و خطاب به او فرمود: «به خدا قسم اگر بر من ستم کنی دست به شمشیر می‌برم و در مسجد

رسول خدا می‌ایستم و مردم را به آن پیمانی که پدران آنان بنیان نهادند (حلف الفضول) فرا می‌خوانم.» و عبدالله بن زبیر و عده‌ای دیگر، حضور و آمادگی خود را اعلام نمودند و این حرکت باعث شد تا فرماندار مدینه از ظلم کردن به آن حضرت منصرف شود. (حلبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۶).

نکته: از این پیمان، به اهمیت کمک به مظلوم هر چند هم دین ما نباشد، و ایستادگی در مقابل ظالم هر چند هم آیین یا از خویشان ما باشد پی می‌بریم. نکته‌ی مهم دیگر سعه‌ی صدر و تحمل عقیده‌ی مخالف داشتن است. به طور حتم همه یا اکثر افرادی که پیامبر اکرم (ص) در ایام جوانی و قبل از دوران رسالت با آنان هم پیمان شدند نه موحد بودند و نه مثل پیامبر (ص) می‌اندیشیدند و نه همه درست کار و امین بودند و نه حتی نوع لباس و پوشش ظاهری و غذای آنان همانند یا مورد پسند و رضایت آن حضرت بود ولی هیچکدام از این امور مانع شرکت آن حضرت در چنین پیمانی نگردید. چنانکه آقای ورکیانی در کتاب از بعثت نبوی تا حکومت علوی آورده است: «این پیمان که موضوع آن انسان بما هو انسان بود، فاقد هر گونه امتیازات دینی، نژادی، قومی و زبانی است. این پیمان را می‌توان اولین لایحه حقوق بشر نامید، زیرا به مقتضای آن، سفید و سیاه، عرب و عجم و موحد و مشرک همگی بدون کمترین تفاوتی مورد حمایت جدی قرار می‌گرفتند (ورکیانی، ۱۳۸۲ ش، ص ۶۷). از طرفی این پیمان، راهنما و دستورالعمل و اتمام حجت مناسبی است برای تمامی کشورهای اسلامی و همه‌ی مسلمانان جهان تا با زنده کردن چنین پیمانی و با درس گرفتن از روایت: "من سمع منادیا ینادی یا للمسلمین ولم یجبه فلیس بمسلم": «کسی که فریاد کمک خواهی مظلومی را بشنود و اجابت نکند، مسلمان نیست» و با اعلام حمایت از مظلومان جهان، جلوی این همه ظلم آشکار در دنیای متمدن کنونی را بگیرند و ظالم را سر جای خود بنشانند.

## ۲- «پیمان عقبه»

پیامبر رحمت، آخرین سفیر الهی با همان خصوصیات که وعده‌ی آن در کتب پیامبران پیشین نیز داده شده بود در جزیره العرب به پیامبری مبعوث شده است و با دلسوزی تمام و به انواع روش‌های ممکن سعی در هدایت گمراهان دارد و سه سال محاصره‌ی اقتصادی و

انواع آزار و اذیت‌ها را تحمل می‌نماید ولی مشرکان سر سخت مکه نیز دست به دست هم داده‌اند تا نگذارند پیامبر اکرم (ص) کاری از پیش ببرد و خدایان آنان را خوار و کوچک نماید. عده‌ای از ایمان آورندگان که از ظلم و ستم مشرکین به ستوه آمده‌اند به حبشه هجرت نمودند تا در پناه حکومت خوش نام آن سامان دین خود را حفظ نمایند.

پیامبر (ص) بر خلاف میل باطنی خود، به فکر خارج شدن از مکه و انتخاب مرکزیت جدیدی جهت پیشبرد اهداف مقدس خود می‌افتد و در این راستا سفری به شهر طائف می‌نماید ولی با اقبال روبرو نمی‌شود و این سفر برای پیامبر خطراتی نیز در پی دارد. (ابن هشام، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۲۵) (و ابن سعد، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۲۱۰)

پیامبر اکرم (ص) در موسم حج سال یازدهم بعثت به دعوت قبایل مشغول بود، در «عقبه» به گروهی از خزرجیان برخورد می‌نمایند و از آنان می‌خواهند که به سخنان حضرت گوش فرا دهند، و آنان می‌پذیرند. حضرت با تلاوت آیاتی از قرآن، آنان را به پذیرش دین اسلام دعوت می‌نمایند. اینان که پیش‌تر خبر ظهور پیامبر را از یهودیان شنیده بودند دعوت حضرت را پذیرفتند و ایمان آوردند (ابن هشام، ج ۱، ص ۱۳۱) و راهی یثرب شدند و خبر ظهور اسلام باعث تمایل عده‌ای دیگر از مردم یثرب به اسلام شد. بنابراین در سال دوازدهم بعثت دوازده نفر از اهالی یثرب به مکه آمدند و در ایام حج در «عقبه» با پیامبر اکرم (ص) ملاقات نموده و نخستین پیمان مبنی بر وفاداری به اسلام پایه ریزی شد. متن این پیمان پر برکت که با رعایت نکات ایمنی و به دور از چشم سایرین در گردنه‌ی عقبه نزدیکی مناسبت شد، بدین قرار است:

«با رسول خدا پیمان می‌بندیم به وظایف زیر عمل می‌کنیم:

به خدا شرک نوزیم، دزدی نکنیم، فرزندان خود را نکشیم، به یکدیگر تهمت نزنیم و در کارهای نیک نافرمانی و کوتاهی نکنیم»

و در پی این پیمان، با درخواست اهالی یثرب، نبی مکرم اسلام یکی از یاران خود بنام مصعب بن عمیر را که مبلغ توانایی بود برای تعلیم و تربیت آن‌ها به یثرب فرستاد.

#### نکته:

با نگاهی به مفاد این پیمان متوجه می‌شویم که پیامبر (ص) پس از دعوت به توحید و

دوری از شرکت مردم را به اخلاق نیک، رعایت حقوق دیگران و احترام متقابل فرا می‌خواند و جان و مال و ناموس مردم را محترم می‌شمارد و خواهان اصلاح عادات و رسوم بد دوران جاهلیت و پایه‌گذاری مدینه‌ی فاضله برای ایجاد محیط مساعد جهت ترقی و کمال و سعادت انسان‌ها است.

### ۳- «دومین پیمان عقبه»

پیمان اول یثربیان با نبی مکرم اسلام، شور و امید تازه‌ای در یثرب ایجاد کرده است و آنان بی‌صبرانه در انتظار موسم حج آینده نشستند تا بتوانند با پیامبر (ص) ملاقات نمایند و در ضمن با دعوت از حضرت او را از سختی‌های مکه نجات دهند. بنابراین این بار (سال سیزدهم بعثت) هفتاد و سه نفر (۷۱ مرد و ۲ زن) خود را به پیامبر (ص) رسانیدند و آمادگی خود را برای بیعت اعلام نمودند و حضرت زمان دیدار را شب سیزدهم ذی‌حجه و مکان را همان گردنه‌ی عقبه قرار دادند. مکان در گردنه‌ی عقبه، و محل فعلی مسجد البیعه که جایی دور از چشم حجاج است، و زمان، شبی که فردای آن روز می‌توانند مستقیماً راهی یثرب گردند.

به نقل تاریخ، امام علی علیه السلام و ابوبکر در ابتدا و انتهای شعب مراقبت می‌نمودند و عباس، عموی پیامبر در جلسه سخنانی به عنوان اتمام حجت خطاب به یثربیان ایراد می‌نماید و سپس پیامبر خدا (ص) با تلاوت آیاتی از قرآن، مردم را به پذیرش آئین الهی تشویق می‌نماید و در مورد بیعت تصریح می‌نماید که «بر این امر با شما بیعت می‌کنم که: همانگونه که از زنان و فرزندان حفاظت می‌کنید، از من نیز دفاع کنید» و «براء بن معرور» پاسخ داد: ما فرزند جنگ و سلاح هستیم و همانگونه که از ناموسمان دفاع می‌کنیم از شما دفاع خواهیم کرد. در ضمن از پیامبر درخواست نمودند تا در فرصت مناسب عازم مدینه شوند و در صورت پیروزی بر مکیان نیز مدینه را ترک نفرمایند و حضرت پذیرفتند و به همین جهت پس از فتح مکه نیز حضرت به مدینه بازگشتند. این نکته قابل توجه است که عباس بن عباد به یثربیان هشدار داد که آیا می‌دانید بر چه چیز بیعت می‌کنید؟ اگر گمان می‌کنید که چه بسا با از دست دادن اموال و کشته شدن، او را تسلیم می‌کنید از هم اکنون فکری کنید زیرا در آن صورت در دنیا و آخرت خوار خواهید شد. مردم گفتند در برابر

این تعهد ما به چه چیزی خواهیم رسید؟ و پیامبر اکرم ص فرمودند: "بهشت" و مردم با شنیدن این پاسخ با حضرت بیعت کردند. (ابن هشام، ۱۳۷۵ ق، ج ۱، ص ۴۳۸). پیامبر (ص) نیز با اعتماد به مردم مدینه و همکاری آنان، و در تشویق مسلمانان به مهاجرت خطاب به آنان می‌فرماید: «خداوند برای شما، برادران و خانه‌ی امنی آماده ساخته است. (ابن هشام، ۱۳۷۵ ق، ج ۲، ص ۶۶۸)

نکته: ثمره‌ی این پیمان، هجرت تاریخ ساز پیامبر اکرم از مکه به یثرب بود که سر منشا تاریخ مسلمانان شد. و نکته‌ی قابل توجه اینکه بر خلاف تبلیغات منفی مخالفین اسلام، که گسترش نفوذ اسلام را با جنگ و خونریزی همراه می‌دانند یثربیان بدون اجبار و بدور از هر گونه جنگ و خونریزی اسلام را پذیرا شدند و به یمن قدم پر برکت حضرت از آن پس یثرب را «مدینه الرسول» نامیدند و سرپرستی و حکومت را نیز در اختیار پیامبر نهادند.

### دو پیمان مهم:

مردم مدینه دین اسلام را پذیرا شدند اما سه مسأله‌ی مهم، حکومت نوپای اسلامی را تهدید می‌کند:

الف) اختلاف دیرینه‌ی اوسیان و خزرجیان، و بی‌سرپناهی و غربت مهاجران.

ب) یهودیان مدینه و اطراف آن.

پ) قریش و سایر مشرکان، که عموماً در مکه مستقر بودند.

پیامبر اکرم (ص) نسبت به این امور آگاهی کامل دارد و برای هر کدام به نحوی چاره

اندیشی می‌کند:

#### ۴- پیمان برادری

از جمله پیمان‌های مهم حضرت، پیمان و عقد برادری میان مسلمانان است. آنچه مسلم است اینکه پیامبر در ابتدای ورود به مدینه به منظور حمایت از مهاجران غریب و ایجاد صمیمیت بیشتر، پیمان برادری میان مهاجر و انصار برقرار نموده است. (بخاری، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۲)

اما به گواهی تاریخ، تأکید پیامبر بر ایجاد برادری، در این پیمان برادری خلاصه نمی‌شود و مورخان، پیمان حضرت علی علیه‌السلام با پیامبر (ص) و ابوبکر با عمر، و عثمان

با عبدالرحمن بن عوف و... را شاهدهی بر پیمان دیگری در مکه و در میان مهاجرین دانسته‌اند و از دو پیمان یاد نموده‌اند. چنانکه مورخین، شأن نزول آیهی شریفه‌ی و اولو الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله من المومنین و المهاجرین «و خویشاوندان نسبی شخص (در حکم ارث) بعضی بر بعضی دیگر در کتاب خدا مقدمند از مهاجر و انصار...» (سورہی احزاب، آیه‌ی ۶)، در سال نهم هجرت را پیمان برادری میان همه‌ی مؤمنان دانسته‌اند (سمهودی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۶۸ و مجلسی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱۹، ص ۳۹)

### ۵- پیمانی به منزله‌ی قانون اساسی:

گام دوم حضرت در جهت تثبیت حاکمیت اسلامی به امضا رسانیدن پیمان هم زیستی و اتحاد مسلمانان، یهودیان و مشرکان ساکن یثرب بود که از آن به قانون اساسی تعبیر می‌شود. برخی از فصول این پیمان بقرار زیر است:

\* پیمانی است که محمد رسول خدا (ص) میان مسلمانان قریش و یثرب و کسانی که از آنها پیروی کرده و به همراه آنها به جهاد برخاستند، منعقد نموده است.

\* امضا کنندگان پیمان امت واحدی را تشکیل می‌دهند. مهاجران قریش به رسم سابق و قبل از اسلام خویش در پرداختن خون بها باقی هستند. اگر فردی از آنها کسی را کشت، یا فردی از آنها اسیر گردید باید به کمک هم خون‌بهای او را پردازند و اسیر خود را آزاد نمایند.

\* مسلمانان باید افراد از پای در آمده را کمک کنند و در مخارج سنگینی که بر اثر پرداخت خون بها یا آزاد کردن اسیران، دامنگیر آنها می‌شود، باید او را یاری نمایند.

\* مومنان باید بر ضد هر فردی از آنها که سرکشی و ستم کند، یا درصدد بیداد و ستم درآیند متحد شوند، اگر چه مجرم فرزند یکی از آنها باشد.

\* مسلمانان دوست و پشتیبان یکدیگرند.

\* هر فردی از یهودیان اسلام آورد، از کمک و یاری مسلمانان برخوردار خواهد بود.

\* هیچ مشرکی (از مشرکان مدینه) حق ندارد مال و جان مشرکان قریش را حمایت کند و یا تعهد نماید. و مسلمانی را از دست یافتن بر آنها ممانعت نماید.

\* هر گاه مسلمانی، مسلمانی را بدون دلیل بکشد و جنایت از طریق دلائل شرعی ثابت



شود، شخص قاتل اعدام می‌شود مگر اینکه اولیاء مقتول از او بگذرند و در هر صورت وظیفه‌ی مسلمانان اتحاد بر ضد قاتل است.

\* مرجع حل اختلاف همواره خدا و محمد است.

\* اگر مومنان در مقام صلح برآمدند به صورت جمعی تصمیم خواهند گرفت و هیچ مومنی به تنهایی اقدام نمی‌کند.

\* یهودیان بنی عوف (قبیله‌ای از انصار) با مسلمانان متحد و همگی در حکم یک ملت هستند و مسلمانان و یهودیان و حتی بندگان آن‌ها در دین و آیین خود آزادند. مگر اینکه افراد دچار ظلم و خطایی شوند که در این صورت جز خود و اهل بیت خویش را نابود نخواهند کرد.

\* امضاء کنندگان این پیمان باید بکوشند از گناه و نافرمانی کم کنند و بر خوبی‌ها بیفزایند.

\* خون هر مجروحی، تا چه رسد به مقتول، از این افراد، محترم است و هر کس خون کسی را بدون اذن شرعی بریزد به قصاص محکوم می‌شود.

\* رابطه‌ی بین هم پیمانان براساس نیکی و خوبی است و باید از بدی به دور باشند.

\* هیچ کس نباید در حق هم پیمان خود ستم کند، و در صورت وقوع ستم، ستم‌دیده را باید یاری کرد.

\* داخل یترب به عنوان حرم اعلام می‌گردد، و...

در ضمن حضرت پیامبر برای تثبیت هر چه بیشتر اوضاع، قراردادی نیز با طوایف بنی قریظه و بنی نضیر و بنی قینقاع با این مضمون به امضا می‌رسانند: «به موجب این قرارداد، پیامبر با هر یک از سه گروه پیمان می‌بندد که هرگز بر ضرر رسول خدا و یاران وی قدمی برندارند و بوسیله زبان و دست به او ضرر نرسانند. اسلحه و مرکب در اختیار دشمنان او نگذارند، و هرگاه برخلاف متن این قرارداد رفتار کنند، پیامبر در ریختن خون آن‌ها و ضبط اموال و اسیر کردن زنان و فرزندان آنها دستشان باز خواهد بود (مجلسی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱۹، ص ۱۱۰).

رسول خدا (ص) پس از شکست دشمن در احزاب فرمودند از این پس آنان به جنگ

ما نخواهند آمد.

اواخر سال ششم هجرت، پیامبر اکرم (ص) در یک تصمیم شگفت از مردم مدینه خواستند بدون همراه آوردن سلاح جنگی برای انجام عمره آماده شوند حتی از قبایل مجاور مدینه که هنوز اسلام را نپذیرفته بودند دعوت بعمل آوردند.

این سفر علاوه بر توفیقات معنوی، این دستاوردها را می‌توانست در پی داشته باشد:  
الف) موقعیت مسلمانان را در سرزمین حجاز بالا می‌برد و باعث انتشار آئین یکتاپرستی در میان ملت عرب می‌گشت.

ب) تا حدود زیادی از وحشت و اضطراب قبایل مشرک عرب که تصور می‌کردند پیامبر با تمام عقاید و مراسم ملی و مذهبی آنها حتی مراسم حج و عمره‌ی آنان مخالف است، کم می‌کرد.

پ) انجام دست جمعی مراسم عمره در برابر مشرکان مکه توسط مسلمانان، تبلیغ عملی مهمی برای ترویج اسلام محسوب می‌شد.

ت) اگر قریش از ورود زائرانی که بجز سلاح مسافر همراه نداشتند مانع شوند، مورد مذمت جهان عرب واقع می‌گردند.

بنابراین رسول خدا (ص) به همراه حدود ۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ نفر در مسجد شجره محرم شدند و در حالی که دستگاه اطلاعاتی حضرت جلوتر به راه افتاده بود به سمت مکه حرکت فرمودند. در نزدیکی منطقه‌ای به نام «عسفان» خبر رسید که قریش از حرکت پیامبر مطلع گردیده و به «لات» و «عزی» سوگند یاد کرده‌اند که از ورود حضرت جلوگیری نمایند. زیرا تصور می‌کردند با توجه به وضعیت جنگی حاکم بر روابط خود با پیامبر، ورود آنان به مکه شکستی برای مکیان خواهد بود. بنابراین گروهی مسلح به فرماندهی سردار شجاع خود «خالد بن ولید» به منطقه‌ی «ذی طوی» در نزدیکی مکه اعزام نمودند.

رسول خدا (ص) برای پرهیز از رویارویی با قریش با تغییر مسیر و عبور از مناطق صعب العبور به منطقه‌ای به نام «حدیبیه» (واقع در ۲۲ کیلومتری مکه) رسید، شتر حضرت در این منطقه زانو زد و حضرت فرمود: این حیوان به فرمان خداوند در این منطقه خوابید تا تکلیف روشن شود. مأموران قریش نیز از مسیر حرکت پیامبر اکرم آگاه شدند و خود را

به آن منطقه رسانیدند.

پیامبر پس از فرود آمدن در این منزل خطاب به یاران خود فرمود: اگر امروز قریش از من چیزی بخواهند که باعث تحکیم روابط خویشاوندی شود، من خواهم داد و راه مسالمت آمیز پیش خواهم گرفت.

قریش برای اطلاع از هدف پیامبر نمایندگان متعددی خدمت حضرت فرستادند و پیامبر نیز سعی داشتند هر طور شده به آنان اطمینان دهند که هدفی جز زیارت خانه‌ی خدا ندارند. اما قریش به جمع بندی واحدی نرسیدند. پیامبر اکرم (ص) نیز به تصور اینکه ممکن است حقیقت امر، آن طور که باید به سمع سران قریش نرسیده باشد، نماینده‌ای به سوی قریش اعزام نمود، اما بر خلاف انتظار و حتی عرف معمول، که برای سفیر مصونیت قائلند، قریش شتر «خراش» نماینده‌ی حضرت را پی کردند و نزدیک بود خود وی را نیز بکشند، که عده‌ای مانع این کار شدند. و حتی با اعزام پنجاه نفر افراد ماجراجو سعی کردند، اموالی از مسلمانان را غارت کرده و افرادی را به اسارت با خود ببرند که با هوشیاری مسلمانان، خود آنان دستگیر شدند ولی پیامبر اکرم برای ابراز حسن نیت، آنان را آزاد نمودند. و چون هرگز قصد درگیری با قریش را نداشتند، بار دیگر «عثمان بن عفان» را که از خویشاوندان ابوسفیان بود برای ملاقات با سران قریش راهی مکه نمودند.

اما قریش در پاسخ او نیز گفتند ما سوگند یاد کرده‌ایم که نگذاریم "محمد" با زور وارد مکه شود. عثمان به دلیل دیدار با بستگان خود و به قولی با ممانعت قریش از بازگشت او، سه روز در مکه ماند و تأخیر او و حتی انتشار خبر قتل او توسط قریش شور و خروش عجیبی در میان مسلمانان ایجاد نمود و آماده‌ی انتقام از قریش گردیدند و پیامبر (ص) نیز فرمود: «از اینجا نمی‌روم تا کار را یکسره کنم». اما با وجود شرایط پیش آمده و عدم آمادگی مسلمانان برای جنگ به دلیل همراه نداشتن سلاح جنگی، پیامبر تصمیم گرفت برای ادامه‌ی کار و مقاومت در برابر دشمن با مسلمانان اتمام حجت نماید. بنابراین حضرت زیر درختی نشسته و با مسلمانان تجدید بیعت نمودند و مسلمانان سوگند یاد نمودند که تا آخرین نفس ایستادگی نمایند و این پیمان که «بیعت رضوان» یا «بیعت شجره» نامیده شد آن چنان ارزشمند بود که در قرآن از آن چنین یاد شده است: «خداوند از مؤمنانی که در

زیر درخت با تو پیمان بستند خشنود گشت و از وفا و خلوص آنان آگاه گردید، پس آرامش بر آنها نازل کرد و به فتحی نزدیک پاداششان داد، و به غنیمتهای بسیار که به دست می‌آوردند و خداوند پیروزمند حکیم است» (سوره فتح، آیه ۱۸)

با این پیمان، تصمیم مسلمانان این شد که در صورت ادامه‌ی ممانعت قریش، با آنان برخورد نمایند. در همین حال عثمان نماینده‌ی پیامبر از راه رسید و خدمت پیامبر آمد و اعلام نمود که: قریش تصمیم قطعی برای جنگ کردن ندارند، بلکه مشکل آنها سوگندی است که یاد کرده‌اند. از طرفی بیعت دوباره‌ی مسلمانان با پیامبر در برابر مشرکان و تبعیت محض آنان از پیامبر و مشاهده تبرک جستند مسلمانان حتی از آب وضوی پیامبر و نیز تردید داشتن به پیروزی در جنگ، از جمله عواملی بود که باعث شد مشرکان نیز در پی حل مسالمت آمیز موضوع برآیند. و این بار «سهیل بن عمر» را با اختیارات ویژه نزد رسول خدا (ص) فرستادند، سهیل خطاب به پیامبر عرضه داشت: «مکه حرم و محل عزت ما است. اگر شما با این حالت که با زور و قدرت همراه است وارد مکه شوید، ضعف ما در تمام جهان عرب آشکار می‌شود و تمام قبایل به فکر تسخیر سرزمین ما می‌افتند.» حضرت خطاب به سهیل فرمود: منظورتان چیست؟ و او گفت: «نظر سران قریش این است که امسال شما از همین نقطه به مدینه باز گردید و انجام عمره را به سال بعد موکول نمایید و مسلمانان در سال آینده مانند سایر طوایف عرب در مراسم حج شرکت نمایند به شرطی که بیش از سه روز در مکه نمانند و سلاحی به جز سلاح مسافر همراه خود نیاورند. به هر حال قرار شد معاهده‌ی مکتوبی تهیه شود.

با توجه به بیعت مجدد و آمادگی برای جنگ، تغییر مسیر کار به سمت صلح، مورد اعتراض عده‌ای از مسلمانان واقع شد. واقدی تاریخ نویس معروف اهل سنت می‌گوید: «هنوز موافقت نامه نوشته نشده بود که عمر بن خطاب رو به پیامبر (ص) کرد و گفت: ای رسول خدا مگر ما مسلمان نیستیم؟ حضرت فرمود آری، عمر گفت: پس چرا خواری و حقارت برای دین خود را پذیرا شویم؟ پیامبر گرامی اسلام فرمود: من بنده‌ی خداوند و فرستاده‌ی او هستم و هرگز با فرمان او مخالفت نمی‌کنم و او نیز مرا تباه نخواهد کرد. ابن عباس می‌گوید: بعدها عمر در دوره‌ی خلافتش، خود اعتراف نمود که در آن روز خیال و

شک و تردیدی برایم حاصل شد که از آغاز مسلمانی خود تا آن روز برایم پیش نیامده بود و اگر در آن روز کسانی را می‌یافتم که دست از مسلمانی خود بر می‌داشتند من هم با آنها همراه می‌شدم.» (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص ۷۷).

البته مخالفت با توافقی که پیامبر با دوران‌دیشی خود در قالب صلحنامه در پی آن بود، اختصاص به عمر نداشت چنانچه ابن ابی شیبه در «المنصف» و دیگران نقل نموده‌اند زمانی که صلحنامه نوشته شد، رسول خدا (ص) به مردم دستور داد تا شتران خود را قربانی کنند و سرهای خود را بتراشند و از احرام خارج شوند و آماده‌ی برگشتن به مدینه شوند. این امر بر مردم گران آمد و تا زمانی که پیامبر خود دست به کار نشد دیگران امر او را اطاعت نکردند و این مطلب نشان می‌دهد که گاهی در برابر تصمیم‌گیری‌های سیاسی پیامبر، برخی از مسلمانان مخالفت‌هایی ابراز می‌داشته‌اند. ولی پیامبر گرامی اسلام با چنان عزمی به تکلیف خود عمل می‌نماید که اعتراض افراد مانع از انجام کار او نمی‌شود و در خصوص پیمان حدیبیه مردم برای فهمیدن درستی تصمیم رسول خدا (ص) باید مجموعه‌ی حوادث تا فتح مکه را بتوانند با هم تحلیل نمایند.

به هر حال پس از انجام پاره‌ای مذاکرات شفاهی، نوبت به مکتوب شدن توافقات می‌رسد. و امام علی علیه السلام به دستور پیامبر شروع به نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم می‌کند که این امر مورد اعتراض «سهیل» واقع می‌شود که ما «رحمن» را نمی‌شناسیم و با «باسمک اللهم» نوشته شروع شود و پیامبر می‌پذیرد. سپس پیامبر دستور داد تا حضرت علی علیه السلام بنویسد: هذا ما صالح علیه محمد رسول الله (این پیمانی است که محمد رسول خدا با سهیل نماینده‌ی قریش بر آن توافق کردند. سهیل به نوشتن کلمه‌ی رسول الله ابتدای صلحنامه اعتراض کرد و گفت باید نام خودت و پدرت را بنویسی (محمد بن عبدالله) زیرا ما رسالت تو را قبول نداریم. اینجا صدای اعتراض و خشم مسلمانان بلند شد. ولی پیامبر گرامی اسلام، منطقی او را پذیرفت و این امر مورد توافق پیامبر اکرم و سهیل قرار گرفت.

#### «متن قرارداد صلح حدیبیه»

الف) قریش و مسلمانان متعهد می‌شوند به هدف برقراری امنیت اجتماعی و صلح عمومی مدت ده سال جنگ و تجاوز بر ضد یکدیگر را ترک نمایند.

ب) هر فردی از افراد قریش اگر بدون اذن بزرگتر خود از مکه فرار کند و اسلام آورد باید به قریش تحویل داده شود، ولی اگر فردی از مسلمانان به سوی قریش بگریزد، قریش موظف نیست آن را تحویل مسلمانان بدهد.

پ) مسلمانان و قریش می‌توانند با هر قبیله‌ای که خواستند پیمان برقرار کنند.

ت) محمد و یاران او امسال از همین نقطه به مدینه باز می‌گردند ولی در سال‌های آینده می‌توانند آزادانه، خانه‌ی خدا را زیارت کنند، با این شرط که بیشتر از سه روز در مکه نمانند و سلاحی جز سلاح مسافر همراه نداشته باشند.

ث) مسلمانان مقیم مکه به موجب این پیمان می‌توانند آزادانه شعائر مذهبی خود را انجام دهند و قریش حق ندارد آنها را آزار دهد و یا تمسخر نماید و یا به تغییر دین خود مجبور نمایند.

ج) امضا کنندگان متعهد می‌شوند اموال یکدیگر را محترم شمارند و کینه‌ی یکدیگر را نداشته باشند و حيله و نیرنگ علیه یکدیگر ننمایند.

چ) مسلمانانی که از مدینه وارد مکه می‌شوند مال و جان آنها محترم است.

\* ماده‌ی دو این پیمان که با اصرار سهیل به امضای پیامبر رسیده بود مورد اعتراض مسلمانان قرار گرفت. اما پیامبر در جواب آنان فرمود: «مسلمانی که از زیر پرچم اسلام فرار کند و بت پرستی را بر آئین خدا پرستی ترجیح دهد، حاکی از این است که اسلام با را دل و جان نپذیرفته است و چنین اسلامی بدر نمی‌خورد و اگر ما پناهندگان قریش را تحویل می‌دهیم از این نظر است که اطمینان داریم خداوند وسیله‌ی نجات آنها را فراهم می‌آورد.» گرچه پیامبر برای برقراری صلح مجبور به پذیرش ماده‌ی دو شد اما این ماده پاسخ کوبنده‌ای خواهد بود به تمامی کسانی که گسترش اسلام را تنها در سایه‌ی زور و شمشیر ارزیابی نموده‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص ۷۷، و طبرسی، ۱۹۸۳ م، ج ۹، ص ۱۱۸)

### نتایج این پیمان (پیشگویی پیامبر محقق می‌شود و...):

نکته‌ی جالب توجه اینکه ماده‌ی دوم پیمان که باعث ناراحتی و اعتراض یاران رسول خدا(ص) شده بود و پیامبر به خاطر اهمیت دادن به اصل برقراری صلح آن را پذیرفته بود و در پاسخ اعتراض، اطمینان خود به فراهم شدن راه نجات را مطرح فرموده بود، کار به جایی

رسید که خود قریش داوطلبانه از پیامبر درخواست نمودند ماده‌ی دو را با توافق یکدیگر لغو نمایند و اینک شرح ماجرا:

مسلمانی به نام ابوبصیر که مدتها در زندان مشرکان بسر می‌برد به مدینه گریخت، سران قریش با پیامبر اکرم مکاتبه نمودند و براساس ماده‌ی دو پیمان بازگرداندن ابوبصیر توسط مردی از بنی عامر و غلام او را خواستار شدند. پیامبر اکرم با التزام به پیمان خطاب به ابوبصیر فرمود: «باید نزد قوم خود بازگردی» و در پاسخ به او که گفت آیا مرا به مشرکان می‌سپاری؟ باز با تأکید فرمود: «مطمئن هستم که خداوند وسیله‌ی آزادی تو و دیگران را فراهم می‌سازد.»

و او را به نمایندگان قریش تحویل نمود و آنها به سوی مکه حرکت کردند. وقتی به منطقه‌ی ذوالحلیفه (مسجد شجره) در شش کیلومتری مدینه رسیدند، ابوبصیر برای رفع خستگی به دیواری تکیه داد و باب گفتگوی دوستانه با مرد عامری را آغاز نمود و در همین حال به بهانه‌ی تماشای شمشیرش را از دست او گرفت و بلافاصله آن مرد را به قتل رسانید و غلام پا به فرار گذاشت و نزد رسول خدا آمد. و پس از آن ابوبصیر نیز نزد رسول خدا آمد و گفت: ای رسول خدا تو به پیمان خود عمل نمودی ولی من حاضر نیستم به گروهی که دین و آئین مرا قبول ندارند، پیوندم. او این را گفت و در نقطه‌ای به نام «عیص» که در مسیر کاروان قریش قرار داشت ماندگار شد. حدود ۷۰ نفر از مسلمانان تحت ستم قریش در مکه که از این جریان آگاه شدند نیز با برنامه ریزی از دست قریش فرار کرده و به ابوبصیر پیوستند.

اینان که از شکنجه‌های قریش به تنگ آمده و زندگی راحت خود را از دست داده بودند با برنامه ریزی دقیق تصمیم به غارت کاروانهای قریش و قتل هر فرد قریشی که دست یابند گرفتند و چنان هوشیارانه عمل نمودند که قریش از کار آنها خسته شده و با پیامبر اسلام برای لغو ماده‌ی دوم صلحنامه به مذاکره پرداختند و از آن حضرت خواستند با لغو این ماده این افراد را به مدینه بازگردانند. بنابراین پیامبر ضمن موافقت با لغو این ماده این افراد را به مدینه دعوت نمود.

\* از دستاوردهای مهم پیمان صلح حدیبیه که مورد اعتراض عده‌ای ظاهر بین واقع

شد، پذیرش حاکمیت سیاسی مدینه توسط قریش بود که تا پیش از این در صدد نابودی آن بودند.

\* در سایه‌ی این پیمان بیش از ده هزار نفر از مسلمانان می‌توانستند آزادانه وارد مکه شوند و خانه‌ی خدا را زیارت نمایند.

\* در سایه‌ی این پیمان مسلمانان توانستند با عده‌ای از قبایل هم پیمان شوند.

\* پیمان حدیبیه فکر رسول خدا (ص) را از ناحیه‌ی جنوب (مکه) و خطر قریش آسوده ساخت و فرصتی پیش آمد تا با زمامداران وقت و سران قبایل و رهبران مسیحی مکاتبه نموده و آئین خود را به جهانیان عرضه نماید. که بیش از ۱۸۰ مورد از مکاتبات حضرت موجود است و فصل مهمی از تاریخ صدر اسلام را به خود اختصاص می‌دهد.

\* در سایه‌ی آزادی تبلیغ دین و گرایش به اسلام، افراد و قبایل زیادی به اسلام گرویدند.

\* آزادی رفت و آمد مشرکان به مدینه باعث آشنایی بهتر آنان با آئین اسلام گردید.

\* تماس نزدیک سران قریش در موقع بستن پیمان با پیامبر اکرم (ص)، باعث آشنایی آنان با اخلاق کریمانه‌ی آن حضرت شد.

\* رسول خدا (ص)، این حرکت را آغاز فتح مکه می‌دانست و خداوند وعده‌ی فتح و پیروزی آشکار عنایت فرمود چنانچه گفته‌اند سوره‌ی فتح که آیاتی از آن در خصوص بیعت رضوان است درباره‌ی صلح حدیبیه نازل شد.

\* امام صادق علیه السلام نیز فرمود: هیچ جریانی در زندگانی پیامبر اسلام سودمندتر از پیمان صلح حدیبیه نبوده است (سبحانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۶۰۰)

\* و بنا به نقل سیوطی در الدرالمثور جابر می‌گوید: ما فتح مکه را جز در روز حدیبیه نمی‌بینیم. (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص ۷۳)

### ۸- چگونگی فتح مکه و ارتباط آن با پیمان صلح حدیبیه

بر اساس ماده ۳ پیمان صلح، طرفین می‌توانستند آزادانه با هر قبیله‌ای که بخواهند هم پیمان شوند. و در این راستا قبیله‌ی «خزاعه» با مسلمانان هم پیمان شدند. تا دو سال طرفین در صلح و رفاه بودند. پیامبر اکرم در جمادی الاول سال هشتم، لشکری سه هزار نفری



برای سرکوب رومیان عامل کشتار مبلغان اسلام به سمت شام اعزام نمود. ولی سپاه اسلام به پیروزی روشنی دست نیافت و این عدم پیروزی موجب شد سران قریش جرأت جسارت پیدا نموده ضمن نقض آشکار ماده‌ی سوم پیمان صلح حدیبیه، شبانه به قبیله‌ی «خزاعه» که هم پیمان مسلمانان بودند حمله ور شده عده‌ای را کشتند و عده‌ای را به اسارت بردند و هر چند قریش از عاقبت کار خود نگران شده و اظهار پشیمانی نمودند ولی پیامبر اکرم به دلیل نقض پیمان، عذرخواهی آنان را نپذیرفت و برای تحقق وعده‌ی فتح بزرگ الهی با برنامه ریزی دقیق و استفاده از اصول متقن نظامی از قبیل: استتار، اصل غافلگیری و در نهایت قدرت نمایی سپاه اسلام و باز هم مذاکره در اوج قدرت، و تضعیف روحیه‌ی دشمن با به اسارت گرفتن ابوسفیان و... حضرت توانست بدون جنگ و خونریزی سپاه کفر و شرک را وادار به تسلیم نماید. البته

با وجود آن همه آزار و اذیت قریش نسبت به پیامبر، پس از فتح مکه، حضرت پیامبر عفو عمومی اعلام نمودند و همه‌ی آنان را بخشیدند و فرمودند: اذهبوا فانتم الطلقاء: بروید، همه‌ی شما آزاد هستید. (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۸۲۵)

#### ۹- پیمانی دیگر:

پس از فتح مکه برای اولین بار پیامبر اکرم بطور رسمی از زنان برای انجام وظایف زیر بیعت گرفت:

۱- برای خدا شریک قرار ندهند. ۲- خیانت نکنند ۳- گرد فحشاء نگردند. ۴- فرزندان خود را نکشند ۵- فرزندان که مربوط به دیگران است به شوهران خود نسبت ندهند. ۶- در کارهای خیر و نیک با پیامبر مخالفت ننمایند.

این پیمان به دلیل جلوگیری از اعمال ننگین زنانی ناپاک هم چون «هند» همسر ابوسفیان و مادر معاویه که پرونده‌ی تاریکی داشت صورت گرفت. (سبحانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۶۰۴)

این بود اشاره‌ی مختصری به برخی پیمان‌های پیامبر (ص).

#### ۱۰- نتیجه گیری:

همانگونه که در مقدمه‌ی این نوشتار بیان نمودم هدف از طرح پیمان‌های پیامبر (ص)

آشنایی بیشتر با بعد سیاسی شخصیت وجودی پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و تبلور خردورزی در تصمیمات آن حضرت است و اینکه یادآور شویم پیامبر (ص) در عین حال که پیامبر خدا و مربی اخلاق برای مردم است، در سیاستمداری و تدبیر امور نیز برجسته است. چنانکه از پابندی به پیمان "حلف الفضول" که منشأ آن به دوران جاهلیت باز می‌گردد به اهمیت کمک به مظلوم هر چند هم دین ما نباشد، و ایستادگی در مقابل ظالم هر چند هم آیین یا از خویشان ما باشد پی می‌بریم. نکته‌ی مهم دیگر سعه‌ی صدر و تحمل عقیده‌ی مخالف داشتن است. به طور حتم همه یا اکثر افرادی که پیامبر اکرم (ص) در ایام جوانی و قبل از دوران رسالت با آنان هم پیمان شدند نه موحد بودند و نه مثل پیامبر (ص) می‌اندیشیدند و نه همه درست کار و امین بودند و نه حتی نوع لباس و پوشش ظاهری و غذای آنان همانند یا مورد پسند و رضایت آن حضرت بود ولی هیچکدام از این امور مانع شرکت آن حضرت در چنین پیمانی نگردید. این پیمان را می‌توان اولین لایحه حقوق بشر نامید، زیرا به مقتضای آن، سفید و سیاه، عرب و عجم و موحد و مشرک همگی بدون کمترین تفاوتی مورد حمایت جدی قرار می‌گرفتند. از طرفی این پیمان، راهنما و دستورالعمل و اتمام حجت مناسبی است برای تمامی کشورهای اسلامی و همه‌ی مسلمانان جهان تا با زنده کردن چنین پیمانی و با درس گرفتن از روایت: "من سمع منادیا ینادی یا للمسلمین ولم یجبه فلیس بمسلم": «کسی که فریاد کمک خواهی مظلومی را بشنود و اجابت نکند، مسلمان نیست» و با اعلام حمایت از مظلومان جهان، جلوی این همه ظلم آشکار در دنیای متمدن کنونی را بگیرند و ظالم را سر جای خود بنشانند

و یا با نگاهی به مفاد پیمان عقبه متوجه می‌شویم که پیامبر (ص) پس از دعوت به توحید و دوری از شرک، با خردورزی مردم را به اخلاق نیک، رعایت حقوق دیگران و احترام متقابل فرا می‌خواند و جان و مال و ناموس مردم را محترم می‌شمارد و خواهان اصلاح عادات و رسوم بد دوران جاهلیت و پایه‌گذاری مدینه‌ی فاضله برای ایجاد محیط مساعد جهت ترقی و کمال و سعادت انسان‌ها است. و یا ثمره‌ی پیمان دوم عقبه، هجرت تاریخ ساز پیامبر اکرم ص از مکه به یثرب بود که سر منشأ تاریخ مسلمانان شد. و نکته‌ی قابل توجه اینکه بر خلاف تبلیغات منفی مخالفین اسلام، که گسترش نفوذ اسلام را با

جنگ و خونریزی همراه می‌دانند یثربیان بدون اجبار و بدور از هر گونه جنگ و خونریزی اسلام را پذیرا شدند و به یمن قدوم پر برکت حضرت از آن پس یثرب را «مدینه الرسول» نامیدند و سرپرستی و حکومت را نیز در اختیار پیامبر نهادند.

و نیز دستیابی به فضای نسبتاً مساعدتر در شهر مدینه، بادور اندیشی و آینده‌نگری آن حضرت و برقراری "پیمان برادری" و ایجاد محیطی صمیمی و پس از آن پیمانی "در حد و اندازه‌ی یک قانون اساسی" صورت گرفت. و در نهایت فتح افتخار آمیز مکه بدست سپاهیان اسلام، که در سایه‌ی پیمان‌های: "صلح حدیبیه" و "بیعت رضوان" و تلاش حضرت برای کسب حداکثر امتیاز و پرهیز از جنگ و خونریزی صورت گرفته است.

## فهرست منابع

- ۱- قرآن
- ۲- ابن سعد، محمد، ۱۴۰۵ ق، *الطبقات الكبرى*، ج ۱، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۳- ابن کثیر الحنبلی، ۱۴۰۹ ق، *البدایه و النهایه*، ج ۲، بیروت دارالکتب العلمیه الطبعة الخامسة.
- ۴- اصفهانی، ابوالفرج، ۱۹۶۳ م، *الاغانی*، ج ۱۷، مصر، المؤسسة المصریه العامه.
- ۵- ابن هشام، عبدالملک، ۱۳۷۵ ق، *السیره النبویه*، تحقیق: مصطفی السقا و... ج ۲، بیروت، مطبعه البابی الحلبی.
- ۶- بغدادی، محمد بن حبیب، ۱۴۰۵ ق، *المنطق فی اخبار قریش*، تحقیق: خورشید احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب.
- ۷- بخاری، اسماعیل، ۱۴۱۹، *صحیح البخاری*، ج ۲، بیروت، دارالفکر.
- ۸- حلبی، علی بن برهان الدین (علی بن ابراهیم) بی تا، *السیره الحلبیه*، ج ۱، بیروت، المكتبه الاسلامیه.
- ۹- حیدرآبادی، محمد حمیدالله، ۱۹۴۱ م، *الوثائق السیاسیه فی العهد النبوی و الخلافه الراشده*، لجنه التألیف و الترجمه و النشر
- ۱۰- سبحانی، *جعفر، فروغ ابدیت*، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم.
- ۱۱- سیوطی، عبدالرحمن، ۱۴۰۴ ق، *تفسیر الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، ج ۶، قم، کتابخانه آیه ... نجفی (افست)
- ۱۲- سهمودی، نورالدین علی بن احمد، ۱۴۰۴ ق؛ *وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی*، ج ۱، بیروت، داراحیاء التراث العربی .
- ۱۳- السهمی، حمزه بن یوسف، ۱۴۰۷ ق، *تاریخ جرجان*، ج ۲، بیروت، عالم الکتب.
- ۱۴- شکرآلوسی، سید محمود، ۱۳۴۳ ق، *بلوغ الارب*، تصحیح محمد بهجت الاشری.
- ۱۵- طبرسی، فضل بن حسن، بی تا، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۹، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه .
- ۱۶- طبری، محمدبن جریر، ۱۹۸۳ م، *تاریخ الامم و الرسل و الملوک*، ج ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- ۱۷- واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ ق، *المغازی*، ج ۲، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات .
- ۱۸- ورکیانی، محمدابراهیم، ۱۳۸۲ ش، *تاریخ اسلام از بنیت نبوی تا حکومت علوی*، قم دفتر نشر معارف
- ۱۹- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۲ ش، *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه .
- ۲۰- یوسف هوروفتس، ۱۴۲۱ ق، *المغازی الاولى*، ج ۲، ترجمه حسین نصر، مصر، مطبعه الحلبی.